



وجود رابط و وجود محمولی از نظر آقاعلی مدرس طهرانی و علامه طباطبایی

عسکری سلیمانی امیری^۱

چکیده

وجود و موجود در یک تقسیم به وجود مستقل (وجود محمولی) و رابط تقسیم می‌شود. این تقسیم فرع بر آن است که وجود رابط، حقیقتی عینی بوده، با وجود مستقل در جامع وجود مشترک باشد. یکی از مشکلات در میان فیلسوفان این است که: اختلاف وجود رابط با وجود مستقل، نوعی است یا خیر؟ از نظر ملاصدرا، نه تنها اختلاف بینشان نوعی است، بلکه این دو به اشتراک در لفظ واحدند، ولی در عین حال در طبیعت وجود مشترک‌اند. ما در اینجا اثبات وجود رابط را از نظر آقاعلی مدرس طهرانی و علامه طباطبایی بررسی، و جهات اشتراک و اختلاف آنها و فروعات مترتب بر آن را بازگو می‌کنیم. همچنین نشان می‌دهیم تابعان ملاصدرا، از جمله آقاعلی مدرس طهرانی در مسئله اشتراک و عدم اشتراک وجود رابط و وجود مستقل (محمولی) با ملاصدرا همسو هستند و ادعای علامه طباطبایی مبنی بر اشتراک ذاتی این دو، با بیان ملاصدرا مبنی اختلاف ذاتی و نوعی این دو در تنافی نیست.

واژگان کلیدی: وجود رابط، وجود محمولی، وجود رابطی، آقاعلی مدرس طهرانی، علامه طباطبایی.

■ دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 solymaniaskari@mihanmail.ir

مقدمه

«وجود رابط» یا «وجود فی غیره» اصطلاحی در فلسفه است که مقابل «وجود مستقل» یا «وجود محمولی» یا «وجود فی نفسه» قرار می‌گیرد. با اثبات وجود رابط، وجود در فلسفه به وجود مستقل و رابط یا وجود فی نفسه و وجود فی غیره تقسیم می‌شود (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۲۸).

گفتنی است فیلسوفان تا پیش از میرداماد وجود رابط را در برابر وجود محمولی، و همچنین یکی از اقسام وجود محمولی را که وجود نعتی برای موجود دیگری است، وجود رابطی می‌نامیدند. بنابراین، وجود رابطی تا پیش از میرداماد به اشتراک لفظی در وجود فی غیره و وجود فی نفسه لغیره به کار می‌رفت. برای عدم التباس این دو اصطلاح، میرداماد و به تبع او ملاصدرا اصطلاح «وجود رابط» را برای موجود غیرمستقل و فی غیره، اصطلاح «وجود رابطی» را برای موجود مستقل و فی نفسه لغیره به کار برده‌اند.

اما آقاعلی مدرس طهرانی در رساله خود هر دو نوع وجود را با واژه «وجود رابطی» به کار برده است. ما در این مقاله در هر مورد که مراد ایشان وجود رابط بوده است، وجود رابط را به کار برده‌ایم و هر مورد مراد ایشان وجود فی نفسه لغیره بود، از واژه وجود رابطی استفاده کرده‌ایم. به هر حال، وجود مستقل یا محمولی در توصیف مدرس طهرانی وجود شیء برای خود است از آن رو که وجود برای خود است و در فارسی از آن به «هست» تعبیر می‌شود (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶). به عبارت دیگر، وجود محمولی، وجودی است که می‌توان با یک هلیه بسیطه که موضوع آن شیء مورد نظر است، گزارش کرد. از این رو، این وجود محمول قرار می‌گیرد. اما وجود رابط، وجودی است که به خودی خود محمول نیست، بلکه با ترکیب با چیز دیگری محمول قرار می‌گیرد و در

زبان فارسی با «است» از محمول واقعی موضوع گزارش می‌شود (همانجا). بنابراین، وجود رابط، حقیقتی ربطی بین موضوع و محمول است که از اتحاد بین آن دو گزارش می‌دهد. از این رو، آقاعلی مدرس طهرانی بر اساس تعریف وجود رابط، نتیجه می‌گیرد وجود رابط در مطابق قضایای حملیه ایجابی صادق تحقق دارد، ولی در محکی و مطابق قضایای حملیه سالبه که مفادش سلب الحمل و سلب الاتحاد است، وجود ندارد (همانجا). علامه طباطبایی یکی از فروعات اثبات وجود رابط را نفی وجود رابط در سالبه دانسته است، بلکه از نظر ایشان حتی در محکی قضایای موجه‌ای که یکی از دو طرف آن عدم باشد، وجود رابط تحقق ندارد، مگر به اعتبار وجود ذهنی؛ زیرا عدم چیزی نیست که در خارج حتی در چیز دیگری تحقق داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۲۹). البته همان‌طور که علامه اشاره کرد، عقل می‌تواند عدم را امر عینی اعتبار کند و با این اعتبار، نوعی وجود برای آن در نظر بگیرد و وجود رابط بین آن با شیء دیگر برقرار کند و بگوید: «عدم العلة علة لعدم المعلول». و روشن که این قضیه موجه است و بین موضوع و محمول آن وجود رابط وجود دارد.

جایگاه وجود رابط

از نظر آقاعلی مدرس طهرانی، وجود که ما به الاتحاد و الحمل بین ماهیات مختلف است، جهات و حیثیات گوناگونی دارد. هرگاه این وجود را به هریک از موضوع و محمول نسبت دهیم، وجود فی نفسه برای هریک از آنهاست و هرگاه این وجود را به مجموع موضوع و محمول نسبت دهیم، ما به الاتحاد آنهاست. این اتحاد جزئی و شخصی است. پس هرگاه این وجود به‌طور مستقل تصور شود، وجود فی نفسه و برای موضوع و محمول است، و هرگاه این وجود ابزار برای شناخت حال موضوع با محمول یا ابزار شناخت محمول با موضوع در نظر گرفته شود، نسبت حکمیه است (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳).

اما علامه مستقیم به حیثیت وجود رابط نظر داشته و بر اساس آن احکام و فروعاتی را استخراج کرده است. از نظر ایشان، تحقق وجود رابط بین دو طرف قضیه خارجیه، موجب اتحاد وجود موضوع و محمول است و این وجود از موضوع و محمول متمایز نیست و خارج از آن دو نخواهد بود (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۲۸)، و این همان است که

آقاعلی مدرس طهرانی از آن تعبیر کرده که ابزار برای شناخت حال موضوع برای محمول است یا ابزار شناخت محمول برای موضوع است. از نظر علامه چون وجود رابط وجودی شخصی است، نتیجه آن اتحاد و یکی بودن موضوع و محمول است؛ خواه به نحو قضیه گزارش شود یا به نحو مرکب تقییدی (همانجا).

اثبات وجود رابط از نظر آقاعلی مدرس

آقاعلی مدرس برای اثبات وجود رابط، از صدق ماهیتی بر ماهیت دیگر استفاده می‌کند. از نظر ایشان هیچ‌یک از ماهیات به‌حسب ذات ماهوی خود، بدون آنکه به وجودش در خارج نظر کنیم، بر ماهیت دیگر صادق نیست و از هیچ‌یک از آنها نمی‌توان ماهیت دیگری را انتزاع کرد. ماهیت در این اعتبار به حمل اولی فقط بر خودش قابل حمل است و لاغیر. بنابراین، صدق یکی از این ماهیات بر دیگری، نیازمند امری خارج از سنخ خودش است که با این امر خارجی اتحاد بین ماهیات و صحت حمل برقرار می‌شود. از نظر آقاعلی مدرس، امر خارجی غیرمسانخ با ماهیت از دو حال خارج نیست: یا عدم است یا وجود. اما آن امر خارجی بالضرورة نمی‌تواند عدم باشد و ما به الاتحاد بین ماهیات قرار گیرد. بنابراین، مابه‌الاتحاد و مابه‌الحمل بین ماهیات وجود است (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰).

اثبات وجود رابط از نظر علامه طباطبائی

علامه طباطبائی اثبات وجود رابط را در خارج از راه ساده‌تری به اثبات می‌رساند. ایشان برای اثبات وجود رابط خارجی، از قضایای خارجییه مرکبه صادق و نیز مرکب‌های تقییدی مأخوذ از آن قضایا بهره می‌گیرد. از نظر علامه، مضمون این قضایا و مرکب‌های تقییدی، صادق و مطابق با واقع‌اند. بنابراین، پس از احراز صدق این دسته از قضایا و مرکب‌های تقییدی، آنها با موضوع‌ها و محمول‌هایشان بر خارج منطبق‌اند. از این رو، در خارج باید بین موضوع و محمول ربط واقعی وجود داشته باشد؛ وگرنه این قضایا و مرکب‌های تقییدی آنها در واقع صادق و مطابق با واقع نخواهند بود. از سوی دیگر، علامه طباطبائی نتیجه می‌گیرد سنخ ربط بین موضوع و محمول باید از سنخ وجود فی‌غیره و غیرمستقل باشد؛ زیرا اگر ربط بین موضوع و محمول وجود استقلالی داشته باشد، این وجود مستقل مانند دو وجود مستقل در دو طرف قضیه با همدیگر بی‌ارتباط خواهند

بود و در این صورت، به جای آنکه دو شیء مستقل و ربط بینشان تحقق یابد، سه شیء مستقل در کنار هم خواهیم داشت و در این صورت، وجود ربط نقش ربط را ایفا نکرده است. بنابراین، برای اتحاد بین این سه مستقل، دست کم به دو ربط نیاز است و چنانچه آن دو ربط هم مانند ربط قبلی واجد گونه‌ای از استقلال باشند، در این صورت پنج امر مستقل بی‌ارتباط با یکدیگر در کنار هم قرار گرفته‌اند و نیازمند دست کم چهار ربط خواهند بود تا اتحاد بین موضوع و محمول برقرار شود. همچنین پرسش درباره این چهار ربط مانند پرسش از رابط‌های قبلی تکرار می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد اگر وجود ربط را حقیقتی فی‌غیره و غیرمستقل به تمام معنا در نظر نگیریم، هرگز قضایای صادق خارجی نخواهیم داشت (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۲۸-۲۹) و از آنجاکه قضایای صادق خارجی داریم، پس وجود ربط و وجود فی‌غیره در خارج ثابت است.

اشتراک و افتراق برهان آقاعلی مدرس و علامه طباطبایی

دو برهان مدرس طهرانی و علامه طباطبایی جهات اشتراک و افتراقی دارند. هر دو برهان ناظر به قضایای خارجی‌اند. علامه آشکارا سخن از قضایای خارجی به میان آورده است (همان، ص ۲۸) و آقاعلی مدرس طهرانی سخن از مطابق قضیه و ما به الاتحاد و الحمل میان دو ماهیت را مطرح کرده و آن را منحصر در وجود دانسته است. روشن است جایی که پای وجود به میان آید، قضیه از نوع خارجی خواهد بود، نه از نوع قضیه حقیقی. هر دو برهان مبتنی بر حمل شایع است، نه حمل ذاتی اولی (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۲۹)؛ زیرا معیار در حمل اولی، اتحاد در مفهوم است، نه اتحاد در وجود.

اختلاف دو برهان در حمل ذاتیات بر ذات است. از نظر علامه طباطبایی حمل ذاتیات مانند جنس یا فصل به‌تنهایی بر ماهیت نوعیه از نوع حمل ذاتی اولی است، ولی از نظر آقاعلی مدرس طهرانی از نوع حمل شایع است. بنابراین، هرگاه وجود انسان را به‌تنهایی در نظر بگیریم، از نظر آقاعلی مدرس طهرانی وجود ربط در خارج در وجود انسان به‌عنوان وجود فی‌غیره موجود است؛ زیرا ماده و صورت خارجی که همان جنس و فصل بشرط لا هستند، بدون همراهی وجود ربط با نوع اتحاد وجودی نخواهند داشت؛ همان‌طور که جنس و فصل لابسشرط بدون وجود ربط به‌عنوان حمل شایع صناعی اتحاد

نخواهند داشت. از نظر علامه طباطبائی به صرف اتحاد ذاتیات با ذات نمی‌توان وجود رابط خارجی را اثبات کرد، ولی از نظر آقاعلی مدرس طهرانی از طریق حمل ذاتیات در صورت احراز وجود خارجی ماهیت می‌توان به اثبات وجود رابط خارجی پرداخت.

یکی از نقاط مشترک بین دو برهان، پاسخ به اشکالی است که بر برهان علامه وارد کرده‌اند، که با بیان آقاعلی مدرس طهرانی به‌روشنی و با بیان علامه طباطبائی به‌صورت تلویحی دفع می‌شود. اشکال این است که وجود رابط در قضایا بحثی منطقی است و با تحقق وجود رابط در قضایا نمی‌توان وجود رابط خارجی را به‌عنوان یکی از اقسام وجود اثبات کرد (مصباح یزدی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۸). به عبارت دیگر، تقسیم وجود به مستقل و رابط، بیگانه از تقسیم اجزای قضیه به دو جزء مستقل و ربط بین‌شان است. بنابراین، با اثبات رابط در قضایا نمی‌توان وجود رابط خارجی را به‌عنوان یک حقیقت وجودی اثبات کرد.

پاسخ تلویحی علامه به این اشکال آن است که برهان بر اساس قضیه خارجی به‌لحاظ محکی واقعی‌شان اقامه شده است. در یک قضیه خارجی که موضوع و محمول آن دو ماهیت خارجی‌اند، هرگز آن دو متحد نخواهند بود، مگر آنکه محمول آن افزون بر وجود فی نفسه، دارای وجود فی غیره هم باشد. بنابراین، امکان ندارد بتوانیم یک قضیه خارجی صادق مطابق با واقع داشته باشیم، جز آنکه برای وجود رابط آن محکی‌ای واقعی وجود داشته باشد. از این‌رو، وجود رابط خارجی با برهان علامه به اثبات می‌رسد. این بیان همان است که مدرس طهرانی بدان تصریح کرده است که در حمل شایع، مابه‌الاتحاد و الحمل وجود است و روشن است که این وجود، هم باید وجود موضوع باشد و هم وجود محمول و این امکان‌پذیر نیست، مگر آنکه وجود محمولی در عین وجود فی نفسه، متضمن وجود فی غیره هم باشد.

فرع اول از فروعاتی که علامه طباطبائی در بحث وجود رابط استخراج کرده است، پاسخ به اشکال یادشده نیز شمرده می‌شود. از نظر علامه ظرفی که در آن وجود رابط موجود می‌شود، همان ظرفی است که در آن دو طرف قضیه تحقق می‌یابند (طباطبائی، ۱۳۶۲، ص ۲۹). بنابراین، دو طرف قضیه خارجی در خارج عینی تحقق می‌یابند و از این‌رو، وجود رابط نیز در خارج تحقق می‌یابد.

نفی وجود رابط در حمل ذاتی اولی و در هلیه بسیطه و در قضایای سالبه نیز از نقاط

مشترک بین دو برهان است که در مباحث بعد به آنها خواهیم پرداخت.

نفی وجود رابط در حمل ذاتی اولی از نظر آقاعلی مدرس و علامه طباطبایی

یکی از فروعات سلبی برهان بر وجود رابط که هم آقاعلی مدرس طهرانی و هم علامه طباطبایی بدان پرداخته‌اند، عدم وجود رابط در حمل ذاتی اولی است؛ زیرا همان‌طور که اشاره کردیم، معیار در حمل ذاتی اولی، اتحاد در مفهوم است و اتحاد در مفهوم مستلزم اتحاد در وجود نیست. البته قضیه به‌عنوان یک حقیقت منطقی همواره برخوردار از وجود رابط بین اطرافش می‌باشد، ولی مقصود از وجود رابط در قضایا به اعتبار واقع و محکی قضیه است که قطعاً چنین وجود رابطی را نمی‌توان در حمل ذاتی اولی یافت که معیار در آن اتحاد مفهومی یا اتحاد هویت و ذات است، نه اتحاد وجودی. از این رو، علامه تحقق وجود رابط را در حمل ذاتی اولی، اعتباری می‌داند (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۲۹)؛ زیرا هرگاه قضیه به اعتبار منطقی‌اش که دارای اجزا و ربط بین آن است، دارای وجود رابط باشد، عقل وجود رابط را برای محکی آن اعتبار می‌کند. روشن است که وجود رابط اعتباری از حقیقت برخوردار نیست.

عدم وجود رابط در هلیات بسیطه از نظر آقاعلی مدرس و علامه طباطبایی

یکی از مباحث در مبحث وجود رابط این است که: آیا وجود رابط در هلیات بسیطه وجود دارد یا خیر؟ آقاعلی مدرس طهرانی در ابتدای رساله وجود رابط اجمالاً اشاره می‌کند که برای هلیه بسیطه وجود رابط که بین محمول «موجود» و موضوع آن، یعنی ماهیات ارتباط برقرار کند، وجود ندارد و مانند ملاصدرا (صدرالدین شیرازی، بی تا، ص ۷۳) قائل است خود محمول به‌تنهایی متکفل ارتباط با موضوع است و به وجود رابط بین موضوع و محمول در هلیات بسیطه نیازی نیست (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶). اما در اواسط همین رساله با عنوان «مشاجره» به‌صراحت نزاع بین فلاسفه را مطرح می‌کند که: آیا در هلیه بسیطه هم وجود رابط وجود دارد یا وجود رابط منحصر در هلیات مرکبه است؟ آقاعلی مدرس طهرانی در نزاع بین کسانی که به وجود رابط در هلیات بسیطه معتقدند و بین کسانی که وجود رابط را منحصر در هلیات مرکب می‌دانند، به تفصیل احتمال‌های مختلف را بررسی می‌کند.

مدرس طهرانی می‌گوید اگر مقصود نزاع‌کنندگان از وجود رابط، مفهوم اتحاد جزوی

آلی، و مرادشان از هلیات بسیطه، قضایای حاصل از آن در ظرف انعقاد قضیه (ظرف ذهنی) باشد، حق آن است که وجود رابط در هلیات بسیطه وجود دارد؛ زیرا نسبت حکمیه به معنای اتحاد جزئی آلی در هر حکمی، چه بسیط یا مرکب وجود دارد. بنابراین، بین هلیات بسیطه و مرکبه از این نظر فرقی نیست. فرق بین هلیات بسیطه و هلیات مرکبه در مطابق حکم است؛ زیرا مطابق حکم در هلیات بسیطه، ثبوت موضوع به نفس ذات محمول است. از این رو، محمول نفس ثبوت موضوع است، ولی در هلیات مرکبه ثبوت محمول برای موضوع است. بنابراین، در هلیات مرکبه برای هر یک از موضوع و محمول ذاتی غیر از دیگری است و محمول برای موضوع به یک ثبوت برای آن دو ثابت است. از این رو، مطابق هلیه بسیطه، شیء و وجود فی نفسه آن است؛ در حالی که مطابق حکم در هلیه مرکبه، شیء و شیئی دیگر است و وجود و ثبوتی برای آن دو است که این وجود، ثبوت محمول برای وجود موضوع می باشد.

از نظر مدرس طهرانی طبق این تحلیل بسیطه نامیده شدن هلیات بسیطه از آن روست که در مطابق این دسته قضایا، دو امر محقق می شود و از این رو در مقایسه با هلیات مرکبه، بسیط اند؛ زیرا در مطابق هلیات مرکبه سه امر محقق می شود. بر این اساس، بین این دو دسته قضایا تفاوت دیگری هم وجود دارد و آن این است که نسبت حکمیه در هلیات بسیطه از مبدأ محمول و در هلیات مرکبه از امر دیگری حکایت می کند. بنابراین، اگر مقصود نزاع کنندگان در تحقق وجود رابط در مطابق هلیات بسیطه است، حق آن است وجود رابط به هلیات مرکبه اختصاص دارد؛ زیرا چیزی که به واسطه آن محمول با موضوع متحد می شود، نفس مبدأ محمول در بسائط است، ولی در مرکبات وجود متعلق به موضوع و محمول است. بنابراین، اگر کسانی که به وجود رابط در هلیات بسیطه معتقدند، به وجود رابط در خود قضیه در ظرف انعقاد آن قائل باشند، نه در ظرف خارجی، و کسانی که منکر وجود رابط در هلیات بسیطه اند منکر وجود رابط در مطابق هلیه بسیطه باشند، نزاع بینشان لفظی است. مدرس طهرانی می گوید این تفصیل به حسب احتمال است؛ و گرنه از ملاصدرا نقل می کند که نزاع بین دو گروه در مطابق هلیات بسیطه است، نه در خود هلیات بسیطه (همانجا).

از نظر علامه طباطبائی نیز در مطابق هلیات بسیطه وجود رابط نیست، مگر به حسب اعتبار. طبق این بیان می توان گفت از نظر علامه مانعی نیست که خود قضیه در ظرف

انعقاد یعنی ظرف ذهن، دارای وجود رابط بین موضوع و محمول باشد، ولی در محکی آن حقیقتاً وجود رابط وجود ندارد. اما عقل به اعتبار آنکه در ظرف انعقاد قضیه وجود رابط را موجود می‌داند، می‌توان برای مطابق آن وجود رابط اعتبار کرد. روشن است که این وجود رابط اعتباری است و بهره‌ای واقعی از وجود رابط نخواهد داشت. برهان علامه طباطبایی برای اثبات مدعای خود این است که وجود شیء با خود آن شیء در خارج دو چیز نیستند تا بین آن دو رابطه و نسبتی باشد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۲۹).

نفی وجود رابط در قضایای سالبه از نظر آقاعلی مدرس و علامه طباطبایی

از نظر مدرس طهرانی، وجود رابط در قضایای سالبه به اعتبار مطابق‌شان وجود ندارد؛ زیرا حقیقت وجود رابط، ربط محمول به موضوع است و وجود رابط حقیقتی غیر از این ربط ندارد. بنابراین، در قضایای سالبه به اعتبار مطابق‌شان وجود رابط راه نمی‌یابد؛ چراکه در واقع محمولی برای موضوع ثابت نیست تا وجود رابط بین‌شان تحقق یابد (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶). به تعبیر دیگر، وجود رابط در مطابق قضایا مابه‌الاتحاد محمول با موضوع است و از آنجاکه بین محمول و موضوع در سالبه اتحادی نیست، وجود رابط به‌عنوان مابه‌الاتحاد تحقق ندارد. البته از نظر مدرس طهرانی قضیه در ظرف انعقاد (ظرف ذهن)، نه در ظرف خارج، چه موجب باشد یا سالبه، دارای ربطی است که از آن به «نسبت حکمیه اتحادیه» تعبیر می‌شود (همان، ص ۱۴۹). بنابراین، قضیه سالبه به‌لحاظ منطقی دارای وجود رابط یا نسبت حکمیه است، ولی به‌لحاظ فلسفی که ناظر به واقع و نفس‌الامر است، وجود رابط ندارد.

از نظر علامه طباطبایی نیز قضایای سالبه دارای رابط نیستند. علامه برای اثبات مدعای خود ابتدا از قضایای موجه‌ای که یکی از دو طرف یا هر دو طرف آن عدم باشد، مانند «زید معدوم است» یا «شریک باری معدوم است»، استفاده می‌کند و مدعی می‌شود این دسته از قضایای موجه با آنکه موجه‌اند، وجود رابط ندارند؛ زیرا عدم، شیئیتی برای خود ندارد تا بتواند با چیز دیگری پیوند وجودی داشته باشد. بنابراین، وجود رابط را در این دسته قضایا نمی‌توان تأیید کرد. البته همان‌طور که مدرس طهرانی برای قضیه در ظرف ذهن به نسبت حکمیه و وجود رابط معتقد شده است، می‌توان گفت از نظر علامه هم قضیه از آن‌رو که در ظرف ذهن تحقق می‌یابد، دارای وجود رابط است، بلکه بالاتر از آن،

از نظر علامه می توان گفت محکی و مطابق قضیه نیز دارای وجود رابط اعتباری است؛ چراکه وقتی در ظرف انعقاد قضیه بین موضوع و محمول ربط باشد، عقل آن را برای خارج هم اعتبار می کند. از این رو، علامه وجود رابط اعتباری را تأیید می نماید (طباطبائی، ۱۳۶۲، ص ۲۹). روشن است که وجود اعتباری بهره ای از حقیقت ندارد. علامه طبق بیان بالا نتیجه می گیرد در سالبه رابط نیست؛ زیرا اگر در سالبه بین موضوع و محمول ربطی باشد، این ربط از سنخ وجود نخواهد بود، بلکه از سنخ عدم خواهد بود. بنابراین، ربط در قضایای سالبه باید ربط سلبی و عدمی باشد و از آنجاکه عدم چیزی نیست، نمی توان برای قضایای سالبه ربط را پذیرفت، مگر ربط اعتباری به حساب اعتبار ذهنی (همانجا).

وجود محمولی

گفتیم موجود به وجود «فی نفسه» و وجود فی غیره (وجود رابط) تقسیم می شود. وجود فی نفسه مفهوم مستقلی دارد که از موجود خارجی انتزاع می شود و بر آن دلالت دارد. از این رو، آن را «وجود محمولی» می نامند؛ چراکه می توان آن را با هلیه بسیطه ای گزارش کرد؛ برخلاف وجود فی غیره که به دلیل عدم استقلال در مفهومیت بالذات حتی بر خودش دلالت ندارد، مگر به واسطه طرف یعنی موضوع یا محمولی که در آن موجود شده است. از این رو، نمی توان آن را با هلیه بسیطه ای گزارش داد، مگر با نگاه ثانوی که با این نگاه از فی غیره بودن و غیرمستقل بودن خارج و به حقیقتی مستقل تبدیل شده است و از آن می توان مفهوم وجود مستقل را انتزاع کرد.

وجود رابطی

موجود فی نفسه به وجود لنفسه و وجود لغیره تقسیم می شود. وجود لنفسه فقط از خودش طرد عدم می کند، ولی موجود لغیره وجودی است که طرد عدم از خودش، عین طرد عدم از موضوع و محل خودش است. البته وجود لغیره از ماهیت موضوع یا محل طرد عدم نمی کند، بلکه از وصفی زاید بر ذات آن طرد عدم می کند. از این رو، وجود لغیره وجود ناعتی و رابطی است. وجود اعراض برای موضوع هایشان و نیز وجود صور نوعیه برای موادشان از نوع وجود رابطی اند که طرد عدم از خودشان، عین طرد عدم از موضوع و موادشان است (همان، ص ۳۱).

عنوان موضوع و عنوان محمول در ذهن و ملاحظه نسبت حکمیهای که حقیقت آن مفهوم اتحاد جزئی بین آن دو که ابزار و آلتی است که بیانگر اتحاد وجود خارجی است و این وجود خارجی مابه‌الاتحاد موضوع و محمول می‌باشد؛ زیرا همان‌طور که وجود خارجی از جهتی مابه‌الاتحاد است، خودش به جهتی دیگر حقیقت اتحاد است و از جهتی سوم ظرف اتحاد است (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳).

این بیان نشان می‌دهد حقیقت وجود رابط در خارج می‌تواند عین وجود محمولی باشد. از نظر علامه طباطبایی نیز حقیقت وجود اعراض که از وجود محمولی برخوردارند، از شئون وجود جوهر است و حقیقت صور مباین با وجود موضوعات‌شان نیست (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۳۲). معنای سخن علامه این است که حقیقت وجود عرض، یک حقیقت تعلق و وجود ربطی است که با نگاه استقلالی وجود فی نفسه یافته است؛ همان‌طور که در بیان مدرس طهرانی نیز حقیقت وجود رابطی را همان وجود رابط در خارج دانسته که انتزاع دو مفهوم مستقل از آن را نوعی وجود رابطی برای موضوع و محمول و قیام محمول به موضوع در نظر گرفته است. مؤید این مطلب آن است که از نظر آقاعلی مدرس طهرانی، قیام محمول به موضوع در همه مصادیق وجه اعتباری دارد (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳).

آقاعلی مدرس طهرانی برای وجود رابطی که قائم به موضوع است، سه مصداق معرفی می‌کند:

۱. قیام اعتباری محض، مانند قیام انسانیت به این انسان خاص، در صورتی که به این انسان خاص عنوان انسان حمل شود؛ زیرا انسانیت در مرتبه ذات این انسان خاص موجود است و با آن مغایرتی ندارد، مگر به اعتبار. در مقابل قیام اعتباری محض، قیام غیراعتباری قرار می‌گیرد و به دو قسم تقسیم می‌شود.

۲. قیام حقیقی انضمامی محمول به موضوع، مانند قیام سواد به این جسم در جایی که مفهوم اسود بر جسم حمل شود.

۳. قیام انتزاعی محمول به موضوع، مانند قیام فوقیت به آسمان در موردی که معنای فوق بر آن حمل شود (همان، ص ۱۵۳-۱۵۴). محمول‌های انتزاعی همان معقولات ثانیه فلسفی هستند که در توصیف و تعریف‌شان گفته می‌شود عروض‌شان ذهنی و اتصاف‌شان خارجی است.

آقاعلی مدرس زنوزی تصریح می‌کند نه تنها محمول‌هایی که بر موضوع حمل

می‌شوند از وجود رابطی برخوردارند، خود موضوع به عنوان موضوع و نسبت آن با محمول نیز از وجود رابطی برخوردار است (همان، ص ۱۵۴).

کیفیت وجود معقولات ثانیه

برخی معتقدند معقولات ثانیه فلسفی صفاتی هستند که در خارج موجود نیستند، بلکه از اوصاف عدمی‌اند و از وجود موصوف انتزاع می‌شوند. براین اساس درباره قاعده فرعیه گفته‌اند: «ثبوت شیء لشیء فرع ثبوت المثبت له، لا الثابت». طبق این بیان، ثبوت محمول برای موضوع فرع ثبوت موضوع (مثبت له) است و فرع ثبوت محمول (ثابت) نیست. از نظر ملاصدرا این قول نادرست است. همان‌طور که ثبوت محمول برای موضوع فرع ثبوت موضوع است، فرع ثبوت ثابت نیز می‌باشد؛ زیرا مفاد قاعده فرعیه، اتصاف موضوع به محمول است و اتصاف نسبت بین دو شیء متغایر به حسب وجود در ظرف اتصاف است. بنابراین، حکم به وجود یکی از دو طرف حکم بدون وجود دیگری در ظرفی که اتصاف موجود می‌شود، معقول نیست. از این رو، همان‌طور که محمول‌های انضمامی در خارج موجودند، محمول‌های انتزاعی هم در خارج موجودند. البته از نظر ملاصدرا اشیا در موجودیت متفاوت‌اند. بنابراین، هر صفت خارجی بهره‌ای از وجود خارجی را داراست و بر آن آثار مختص به آن مترتب است. برای نمونه، ملاصدرا به مفاهیم اضافی، مانند فوقیت و اعدام ملکه، مانند کوری و استعدادها مثال می‌زند که اینها نیز بهره‌ای از وجود دارند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۷).

علامه طباطبائی ذیل بیان ملاصدرا می‌گوید مطلبی که او اینجا ذکر کرده، حق آشکار است و شکی در آن نیست و در درستی آن به وجود رابط اشاره می‌کند که وجودش به وجود دو طرف آن وابسته است و بیان می‌کند که وجود موضوع و محمول که دو طرف حمله‌اند، در ظرف تحقق وجود رابط موجودند. بنابراین، معقول نیست قضیه‌ای تحقق یابد که یک طرف آن (محمول) ذهنی و طرف دیگر آن (موضوع) خارجی یا یکی از آن دو حقیقی و دیگری اعتباری و مجازی باشد (همان، ج ۱، ص ۳۳۷، تعلیقه علامه طباطبائی).

آقاعلی مدرس طهرانی نیز برای انتزاعیات وجود خارجی ضعیف قائل است. از نظر وی در قضیه «الف ب است» در صورتی که «ب» از محمول‌های انتزاعی باشد، در ظرف

انعقاد قضیه، یعنی در ظرف ذهن مجموع موضوع، محمول و نسبت حکمیه به طور تفصیلی از چیزی حکایت می‌کنند که قضیه بر خارج از ظرف انعقاد مطابق است و این ظرف خارج همان ظرف اتحاد آنهاست، و هریک از این امور سه‌گانه به اعتبار جهتی که در آن وجود دارد، از خارج حکایت می‌کند. از این‌رو، عقل در ظرف انعقاد قضیه با ملاحظهٔ جهات واقعی‌ای که در خارج ظرف انعقاد قضیه محقق است، به ثبوت اتحاد محمول برای موضوع حکم می‌کند. بنابراین، هریک از این امور مفصله باید در خارج وجود نعتی داشته باشند (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴).

سپس مدرس طهرانی به این اشکال می‌پردازد که محمولات انتزاعی مانند فوقیت در خارج وجودی نخواهند داشت. از این‌رو، نباید مفاهیم انتزاعی بر موضوع حمل شوند. طبق این اشکال «السماء فوقنا» که فوق بر آسمان حمل شده است، درست نیست؛ زیرا مصحح حمل در جایی است که موضوع با وجودش به‌طور حقیقی واجد مبدأ محمول باشد؛ خواه مبدأ محمول در مرتبه ذات موضوع باشد مانند «الانسان ناطق» یا در مرتبه متأخر از آن باشد مانند «الجسم ایض». اما قیام انتزاعی مبدأ به شیء مصحح حمل نیست؛ زیرا موضوع در ظرف اتصاف واقعاً نه در مرتبه ذات و نه در مرتبه متأخر از آن واجد مبدأ نیست. بنابراین، مبدأ انتزاعیات ثبوت و موجودیتی برای موضوعشان ندارد و به آنها قیام نکرده است. از این‌رو، نمی‌توان هلیه بسیطه «فوقیت در خارج برای آسمان ثابت است» را صادق دانست. اگر این قضیه صادق باشد، لازم می‌آید موجهه با ربط موجب آن به انتفای موضوع صادق باشد و این خلاف موازین محققان است که موجهه با انتفای موضوع صادق باشد. بنابراین، نقیض قضیه یادشده، یعنی «فوقیت برای آسمان در خارج ثابت نیست» صادق است.

آقاعلی مدرس طهرانی در پاسخ به این اشکال می‌گوید هر صفتی که موصوفی در خارج یا ذهن داشته باشد، خواه صفت انضمامی باشد که دارای وجود مستقل و متأخر از موصوف است، و خواه صفت انتزاعی باشد که وجود مستقلی برای خودش ندارد، بلکه به عین وجود موصوف، همراه با جهتی که منشأ انتزاع آن صفت است، موجود است، مانند فوقیت که از جسم آسمان که دور از مرکز زمین است درمقایسه با جسم ما که نزدیک به مرکز زمین است، انتزاع می‌شود. بنابراین، باید برای صفت مبدئی در موصوف آن باشد تا به آن قائم یا از آن انتزاع شود؛ وگرنه لازم می‌آید هر صفتی را بتوان برای هر

موصوفی در نظر گرفت. از این رو، مبدأ صفت باید در موصوف وجود داشته باشد (همان، ص ۱۵۶). بر این اساس، معقولات ثانیه و مفاهیم انتزاعی را می‌توان با هلیه بسیطه صادق گزارش کرد. البته همان‌طور که ملاصدرا بیان داشته است، اشیا در موجودیت متفاوت‌اند و برای هر یک از آنها بهره خاصی از وجود است که برای دیگری نیست. بنابراین، برای هر صفتی از صفات مرتبه‌ای از وجود است که بر آن آثار خاصی مترتب است؛ حتی برای امور اضافی و اعدام و ملکات و قوا و استعدادها نیز بهره‌هایی ضعیف از وجود و تحصیل است که اتصاف به آنها امکان‌پذیر نیست، مگر آنکه برای موصوف‌هایشان وجود داشته باشند. همان‌طور که اگر سفیدی برای جسم موجود نباشد، ممکن نیست جسم متصف به سفیدی شود، وقتی هم که می‌گوییم «حیوان کور است» یا «آسمان بالای سر ماست»، تا کوری برای حیوان و فوقیت برای آسمان واقعاً موجود نباشد، این دو قضیه صادق نخواهند بود (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۳۸).

اختلاف یا عدم اختلاف نوعی بین وجود رابط و وجود محمولی

یکی از مسائل اختلافی در بحث وجود رابط این است که: آیا وجود رابط که آن را با فرض رابط بودن نمی‌توان با هلیه بسیطه‌ای گزارش کرد، با وجود مستقل یا وجود محمولی که می‌توان آن را با هلیه بسیطه‌ای گزارش کرد، مغایرت نوعی دارد یا اختلاف بین‌شان اختلاف نوعی نیست؟ ملاصدرا اشاره می‌کند که فیلسوفان در این مسئله اختلاف کرده‌اند. از نظر ملاصدرا اختلاف بین این دو نوعی است (همان، ج ۱، ص ۷۹). در این صورت، این پرسش متوجه کسانی چون علامه خواهد بود که چگونه وجود به دو قسم تقسیم می‌شود؛ در حالی که اقسام باید در جامعی مشترک باشند. اگر این تقسیم درست باشد، نشان می‌دهد مقسم باید به‌عنوان امر مشترک در هر دو قسم حضور داشته باشد (طباطبائی، ۱۳۶۲، ص ۳۰). بنابراین، چگونه می‌توان به اختلاف نوعی معتقد شد و در عین حال تقسیم وجود را به مستقل و رابط پذیرفت؟ از نظر علامه طباطبائی، همان‌طور که توضیح آن خواهد آمد، اختلاف بین این دو وجود نوعی نیست. از این رو، می‌توان گفت وی از این مشکل عبور کرده است. اما در عین حال این مسئله جدی است؛ زیرا از یک سو وجود رابط را از آن رو که رابط است، نمی‌توان با یک هلیه بسیطه گزارش کرد و از سوی دیگر، این وجود قسمی از وجود خواهد بود و اگر قسمی از وجود است،

پس باید بتوان با هلیه بسیطه‌ای از آن گزارش داد. بنابراین، باید این مشکل را حتی بنا بر نظر علامه طباطبایی بررسی کرد. هرچند به باور علامه طباطبایی می‌توان از وجود رابط هم با هلیه بسیطه‌ای گزارش داد، ولی آیا این گزارش با وجود رابط بودن آن منافی نیست و اگر نیست، آن را با چه تحلیل و تبیین فلسفی می‌توان نشان داد؟

نظر ملاصدرا و تابعان در وجود رابط و محمولی

ملاصدرا در فصل وجود رابط و رابطی، وجود را به‌حسب ظاهر به مستقل و رابط تقسیم نکرده است، ولی در پایان فصل سخن از تقسیم وجود به میان آورده است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۸۲). از سوی دیگر، در ادامه ملاصدرا بیان می‌کند که وجود رابط و وجود مستقل اتفاق نوعی دارند و مدعی می‌شود اتفاق نوعی وجود رابط و وجود مستقل در طبیعت وجود در حکمت متعالیه با تخالف نوعی در معانی ذاتی و مفهوم‌های انتزاعی آنها منافات ندارد، و مشکل‌تر از این می‌گوید که اتفاق وجود رابط و مستقل فقط در لفظ است (همان، ج ۱، ص ۷۹). طبق بیان اخیر، وجود نامیدن «وجود رابط» و «وجود مستقل» صرفاً از باب مشترک لفظی در حوزه زبان است و هیچ معنای مشترکی بین این دو تصور نمی‌شود. این سخنان از سوی ملاصدرا سبب شده شارحان ذیل کلام او دست به توجیه بزنند.

ملاعلی نوری در توجیه کلام ملاصدرا می‌گوید وجود رابط و وجود محمولی به‌حسب سنخ و حقیقت واحدند و اختلاف آن دو به این اعتبار است که وجود محمولی بالذات به‌طور کلی خارج از مقولات است و وجود رابط از مقوله اضافه از مقولات دهگانه است. مقوله اضافه از مقولات ثانیه است و برای مقولات ثانیه گونه ضعیفی از تحقق وجود است و براین اساس، وجود رابط سنخی از حقیقت وجود محمولی است (همان، ج ۱، ص ۷۹، تعلیقه ملاعلی نوری).

حکیم هیدجی در تعلیقه‌ای آورده است که وجود رابط آن هنگام که رابط بین موضوع و محمول قرار می‌گیرد، از این نظر که رابط بین آن دو است، نه وجود است و نه شیئی از اشیا. بنابراین، نام‌گذاری وجود بر وجود رابط از نظر رابط بودن از باب اشتراک در لفظ است. اما اگر عقل به آن التفات نماید و قصد حکم بر آن یا به آن کند، با این التفات به وجود محمولی منقلب می‌شود؛ همان‌طور که معانی حرفی، هنگامی که روابط و ادات هستند، هیچ چیزی از اشیا حاصله تامه نیستند و اگر به آنها توجه کنیم، به معنای اسمی

استقلالی تبدیل می‌شوند (همان، ج ۱، ص ۷۹، تعلیه حکیم هیدجی).

تحریر محل نزاع در وجود رابط و محمولی از نظر مدرس طهرانی

آقاعلی مدرس طهرانی مسئله یادشده را ذیل کلام ملاصدرا مطرح می‌کند و مانند ملاصدرا به تخالف نوعی میان وجود رابط و محمولی رأی می‌دهد. او پس از نقل عبارت ملاصدرا می‌گوید گاه گمان می‌شود در عبارت ملاصدرا اضطراب هست؛ چراکه صدر عبارت او دلالت دارد بر اینکه مراد ملاصدرا از وجود رابطی و محمولی، مفهوم‌شان است که آیا این دو مفهوم اختلاف دارند، و ذیل کلامش بر این دلالت دارد که مرادش از وجود محمولی، حقیقت وجود محمولی است؛ زیرا مفهوم آن این چنین نیست. سپس می‌گوید این گمان نظر ظاهری در کلام ملاصدرا نیست که با نظر دقیق برطرف شود؛ چراکه فیلسوفانی که در این مسئله اختلاف کرده‌اند، محل خلاف را روشن نکرده‌اند. بعد مدرس طهرانی چهار احتمال را مطرح می‌کند و در همه موارد اختلاف بین وجود رابط و محمولی را اختلاف نوعی می‌داند:

احتمال اول آن است که محل نزاع در دو مفهوم وجود رابط و محمولی است. از نظر مدرس نزوی اختلاف بین آن دو در این احتمال، نوعی است؛ چراکه مفاد وجود رابط اتحاد جزئی آلی است که از اتحاد بین موضوع و محمول حکایت می‌کند و مفاد آن «است» در زبان فارسی است، ولی مفهوم وجود محمولی مفهوم مستقلی است که مفاد آن «هست» در زبان فارسی است و اشتراک ذاتی بین این دو معقول نیست.

احتمال دوم آن است که محل نزاع در حقیقت وجود رابط و وجود محمولی است. از نظر مدرس طهرانی بین وجود محمولی و وجود رابط را مانند نسبت بین جنس و فصل می‌داند. همان‌طور که اشتراک ذاتی بین جنس ماهیت انسان و فرس با فصل آنها معقول نیست، وگرنه لازم می‌آید فصل در عرض جنس قرار گیرد و در این صورت جنس مابین با فصل خواهد بود، همچنین اشتراک در ذاتی حد خاصی از وجود که وجود رابط باشد، با حقیقت وجود که وجود محمولی است، معقول نیست؛ وگرنه لازم می‌آید حقیقت وجود مقابل تمام مراتب وجود قرار گیرد. به علاوه، وجود رابط حدی از وجود است و حد شیء فقدان آن است و حقیقت فقدان عدم است و معقول نیست بین عدم و وجود اشتراک ذاتی باشد.

از نظر مدرس طهرانی، هرگاه حقیقت وجود رابط به گونه‌ای ملاحظه شود که از آن عنوان «وجود» انتزاع گردد، به محمولی بازگشت می‌کند و اگر به گونه‌ای انتزاع شود که از آن اتحاد جزوی آلی که برای شناخت حال موضوع با محمول انتزاع شود، در این صورت فقدان خاصی در آن ملاحظه می‌شود و فقدان، عدم است و عدم با وجود در ذاتی اشتراک ندارد. بنابراین، وجود رابط با وجود محمول در این نگاه دوم اختلاف نوعی دارند (زنوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹-۱۷۱).

ممکن است این پرسش مطرح شود که: با این ملاحظه هر چند بین وجود رابط و وجود محمولی اشتراک ذاتی نیست، می‌تواند بین آن دو اشتراک عرضی وجود داشته باشد و در این صورت، هر چند اختلاف نوعی تأیید می‌شود، دیگر نمی‌توان وجود رابط و وجود محمولی را مشترک لفظی دانست؛ در حالی که ملاصدرا در آخر بیانش وجود رابط و وجود محمولی را مشترک لفظی دانست و معنای این سخن این است که این دو در عرضی هم مشترک نیستند. بنابراین، با چه بیانی می‌توان این دو را مشترک لفظی دانست؟ مدرس طهرانی برای نشان دادن اشتراک لفظی بین این دو وجود می‌گوید نفی اشتراک ذاتی، ملازم نفی اشتراک عرضی است؛ زیرا اشتراک عرضی متوقف بر اشتراک ذاتی است؛ وگرنه لازم می‌آید یک مفهوم (مفهوم وجود) بر اموری که از هر جهت متباین‌اند یا بر اموری که از جهتی تباین دارند، نه از جهتی که اشتراک دارند، صادق باشد و لازمه آن انقلاب جهت تباین به جهت اتحاد است (همان، ص ۱۷۱-۱۷۲)؛ زیرا هر عرضی‌ای به ذاتی می‌انجامد. بنابراین، اگر وجود رابط و محمولی واقعاً متباین و در عرضی مشترک باشند، در این صورت باید این اشتراک عرضی به امر ذاتی بازگردد و بنابراین، باید این دو متباین از آن‌رو که متباین‌اند، مشترک باشند. از این‌رو، مدرس طهرانی نتیجه می‌گیرد اطلاق وجود بر حقیقت وجود محمولی و حقیقت وجود رابط به اشتراک در لفظ است (همان، ص ۱۷۲).

احتمال سوم آن است که محل نزاع بین مفهوم وجود رابط و بین حقیقت وجود محمولی است. در اینجا هم اشتراک ذاتی و توافق نوعی معقول نیست؛ زیرا معقول نیست، سنخ مفهوم از آن‌رو که سنخ مفهوم است، با سنخ وجود از آن‌رو که سنخ وجود است، اشتراک در ذاتی داشته باشند.

احتمال چهارم آن است که محل نزاع بین حقیقت وجود رابط و بین مفهوم وجود محمولی است. از نظر آقاعلی مدرس، اختلاف در اینجا ذاتی و نوعی است؛ زیرا معقول

نیست بین سنخ وجود رابط که سنخ عدم و فقدان است، با سنخ مفهوم از آن رو که سنخ مفهوم است، در ذاتی اشتراک داشته باشند (همانجا).

هرچند به نظر می‌رسد ملاصدرا در ابتدای فصل وجود رابط و رابطی مطلب را به‌گونه‌ای بیان کرده که محل نزاع به‌روشنی مشخص نمی‌شود، در پایان فصل عبارتی دارد که روشن می‌کند محل نزاع حقیقت خارجی وجود رابط و حقیقت خارجی وجود محمولی است. ملاصدرا در پایان فصل می‌گوید وجود رابطی به معنای اول (وجود رابط) مفهوم تعلقی است که ممکن نیست مستقلاً تعقل شود و این وجود از معنای حرفی است و محال است این شأن از آن گرفته شود و با توجیه التفات به آن معنای اسمی شود و وجود محمولی گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۸۲). مقصود ملاصدرا از این عبارت آن نیست که هرگاه وجود رابط به‌عنوان وجود رابط تعقل شود، در این تعقل وجود رابط به‌صورت مفهوم غیرمستقل تعقل شده است، و ممکن نیست مفهومی که به‌صورت غیرمستقل تعقل شده است، همان با توجیه التفات به‌صورت مستقل تعقل شود تا به وجود محمولی تبدیل گردد. بنابراین، مقصود ملاصدرا این نیست که نمی‌توان وجود رابط را که به‌صورت غیرمستقل تعقل شده است، بار دیگر با توجیه التفات به آن به‌صورت مستقل تعقل کنیم؛ زیرا ملاصدرا در فصل ششم از مواد ثلاث صریحاً می‌گوید هرگاه معنای حروف و مفهوم‌های آلی مورد التفات (منظوراًلیها) قرار گیرند، به معنای اسمی استقلالی تبدیل می‌شوند، بعد از آنکه معنای حرفی تعلقی بوده‌اند و این انقلاب محال نیست (همان، ج ۱، ص ۱۴۳).

نظر علامه طباطبائی در وجود رابط و وجود محمولی

علامه طباطبائی در تعلیقه بر اسفار در فصل وجود رابطی (مرحله اول، نهج اول فصل نهم) می‌گوید عبارت این فصل خالی از اندماج نیست و در معنای آن فصل دیگری (مرحله دوم فصل اول) می‌آید که در آن فصل حقیقت امر وجود رابط و رابطی تبیین می‌شود و ما در آن فصل چیزی را ذکر می‌کنیم که حقیقت را روشن می‌کند و اصول علمیه‌ای بیان می‌کنیم که بر وجود رابط و رابطی متفرع می‌گردد (همان، ج ۱، ص ۷۸، تعلیقه علامه طباطبائی).

ملاصدرا در فصل (در تحقیق معنای وجود رابط) ابتدا اشکالی را مطرح می‌کند و آن اینک، اگر وجود در هلیات مرکبه رابط است، لازمه آن این است که محمول هم موجود

باشد؛ زیرا وجود در هلیات مرکبه وجود و ثبوتِ محمول برای موضوع است و معقول نیست محمولی وجود فی نفسه نداشته باشد، و برای غیر موجود باشد. بنابراین، اگر محمول برای موضوع ثبوت دارد، ثبوت محمول نیز برای موضوع ثابت است و این ثبوت هم برای موضوع ثابت است و همین‌طور ثبوتِ ثبوت برای موضوع ثابت است تا بی‌نهایت.

ملاصدرا در پاسخ به این اشکال ابتدا با توجه به مطالبی که در مرحله اول، نهج اول از فصل نهم مطرح شده است، اشاره می‌کند که وجود به اشتراک لفظی دو کاربرد متفاوت دارد. کاربرد وجود رابط در قضایا به حسب معنا و حقیقت به معنای مطلق وجودی نیست که در هلیه بسیطه محمول واقع می‌شود و یا در هلیه مرکبه رابطی و برای موضوع ثابت می‌گردد. کاربرد وجود در جایی که رابط است، در حکم ادوات و حروف است و بالذات مورد لحاظ نیست؛ برخلاف وجودی که محمول واقع می‌شود؛ مانند «انسان موجود است» یا وجود رابطی واقع می‌شود؛ مانند وجود عرض برای موضوع یا وجود صورت برای ماده که در این دو صورت خود وجود به عنوان محمول به‌طور استقلالی لحاظ می‌شود. از نظر ملاصدرا مفاد هلیه مرکبه مثلاً در «انسان ضاحک است» وجود ضحک برای انسان نیست، آنگونه که وجود عرض یا صورت برای موضوع و محل است تا گفته شود لازمه آن وجود فی نفسه محمول است، بلکه مفاد آن ربط بین انسان و ضحک و اتصاف انسان به ضحک است، ولی اینکه ضحک وجود فی نفسه آن برای موضوع است، مفاد هلیه مرکبه نیست. ملاصدرا با توجه به اینکه ملحوظ در هلیات مرکبه خود موضوع و محمول‌اند و نقش وجود رابط ابزاری است و به صورت مستقل ملاحظه نمی‌شود، نتیجه می‌گیرد با ملاحظات ثانوی می‌توان به این ثبوت نگریست و دوباره آن را به موضوع نسبت داد. از این رو، وقتی می‌گوییم «الف ب است» ثبوت ب برای الف معقول واقع می‌شود و لحاظ خود ثبوت مقصود نیست تا بگوییم این ثبوت برای موضوع ثابت است، بلکه مقصود الف و ب است. به عبارت دیگر، ثبوت در اینجا نسبت محض است و نسبت بما هو نسبت منسوب و طرف نسبت قرار نمی‌گیرد، مگر با لحاظ دیگر، و اگر با لحاظ دیگر آن را منسوب قرار دهیم، دیگر نسبت نیست (همان، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۹). بنابراین، اشکال تسلسل ثبوت به عنوان یک نسبت منتفی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وجود رابط ممکن است در نگاه ثانوی معنای مستقلی بیابد و از آن وجود

محمولی را انتزاع کرد، ولی پیش از آنکه لحاظ ثانوی رخ دهد، وجود رابط با وجود محمولی بالذات متفاوت است. مشترک لفظی بودن وجود رابط با وجود محمولی در جایی است که رابط به صورت رابط نگریسته شود، نه در نگاه ثانوی که به صورت رابط نگریسته نمی شود. اما با نگاه ثانوی مفهوم مستقلی از آن انتزاع می گردد و در این نگاه وجودهای محمولی است. بنابراین، می توان گفت از نظر ملاصدرا وجود رابط در نگاه ثانوی با وجود محمولی در طبیعت و سنخ وجود یکی است؛ چنان که در فصل نهم از مرحله اول بیان داشته است.

علامه طباطبائی در تعلیقه اش بر فصل اول مرحله دوم (در تحقیق وجود رابط) همراه با ملاصدرا می گوید خلاصه افاده ملاصدرا با توجه به فصل نهم مرحله اول در اینکه وجود به فی نفس و فی غیره تقسیم می شود، این است که برخی از وجودها هیچ استقلال و نفسیتی ندارند؛ مانند نسبت های موجود در میان موجودات که رابط بین شان قرار می گیرند؛ زیرا اگر برای آنها استقلالی باشد، لازمه اش این است که چیزی که واسط و رابط بین دو طرف است، خود طرف و مربوط الیه است و این خلاف فرض است. اما از آنجا که هر وجود خارجی از استقلال تهی نیست، نتیجه گرفته می شود که وجود رابط موجود نمی شود، مگر با وجود نفسی ای که رابط به آن متقوم است. بنابراین، وجود رابط داخل در وجود نفسی است؛ به این معنا که وجود رابط چیزی خارج از وجود نفسی نمی تواند باشد، نه آنکه نسبت بین آن با وجود نفسی نسبت جزء و کل باشد. نتیجه این بحث آن است که موضوع و محمول با وجود رابط اتحاد وجودی دارند و تحقق وجود آن دو در ظرف وجود نسبت است و سنخ وجود رابط با سنخ وجود نفسی تفاوت دارد. از این رو، اگر از این دو وجود مفهوم بگیریم، این دو مفهوم جامع مفهومی ندارد (همان، ج ۱، ص ۳۲۷، تعلیقه علامه طباطبائی).

بنابراین، از نظر علامه طباطبائی از حقیقت وجود رابط از آن رو که وجود رابط است، با حفظ رابطیتش مفهومی انتزاع می شود که با حقیقت وجود محمولی اختلاف ذاتی دارد؛ زیرا از وجود محمولی مفهوم مستقل انتزاع می شود؛ در حالی که از وجود رابط تا وقتی که نگاه به آن آلی است، مفهوم رابط انتزاع می گردد. از این رو، دو مفهوم مستقل و رابط که دو مفهوم متباین اند، حکایت گر از دو طبیعت متباین خواهند بود. بر این اساس، می توان گفت از نظر علامه طباطبائی اختلاف بین وجود رابط و مستقل، اختلاف نوعی است.

اما اگر اختلاف نوعی بین این دو را بپذیریم، با این اشکال روبه‌رو می‌شود که: چگونه می‌توان وجود را به مستقل و رابط تقسیم کرد؟ تقسیم وجود به مستقل و رابط از آن حکایت دارد که مقسم در هر دو قسم حضور دارد و مقسم، وجود مطلق است که از نوع وجود معمولی است. بنابراین، قائل شدن به اختلاف نوعی بین وجود رابط و وجود معمولی با این اشکال روبه‌روست و برای آن باید چاره‌اندیشی کرد. شاید از این‌رو علامه طباطبایی در نه‌ایة الحکمة محل نزاع را به گونه متفاوتی بیان کرده است. ایشان در آنجا پس از طرح این مسئله که آیا اختلاف بین وجود رابط و مستقل نوعی است یا نه، تفسیر خاصی از محل نزاع ارائه می‌دهد و می‌گوید به این معنا که: آیا وجود رابط که یک معنای تعلقی است (و از خود هیچ استقلالی ندارد) جایز است از این شأنش با توجیه التفات (ملاحظه استقلالی) منسلخ شود و دارای معنای مستقلی گردد، بعد از آنکه معنای حرفی بوده است یا خیر؟ سپس در پاسخ می‌گوید اختلاف نوعی نیست؛ چراکه نیاز وجود معلول به علت در ذات معلول استقرار دارد و لازمه آن این است که معلول عین حاجت به علت است و در برابر علت هیچ‌گونه استقلالی ندارد و ذات وجودی‌اش متقوم به علت است. بنابراین، هر معلول جوهری یا عرضی که موجود فی نفسه است، برای علتش عین ربط است؛ هرچند برای خودشان یا برای یکدیگر، یکی جوهر و دیگری عرض است و موجود فی نفسه هستند (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۳۰).

اشکال تقسیم وجود به رابط و مستقل طبق این بیان برطرف می‌شود؛ زیرا وجود رابط با نگاه استقلالی از رابط بودن خارج و از نوع وجود معمولی برخوردار می‌شود و در این نگاه اعتباری می‌توان وجود را به مستقل و رابط تقسیم کرد. بنابراین، اختلاف نوعی نداشتن وجود رابط با وجود مستقل، نافی اختلاف نوعی داشتن این دو - در صورتی که ملاحظه ما نسبت به وجود رابط استقلالی نباشد - نیست. از این‌رو، علامه آشکارا در تعلیقه بر اسفار، اختلاف سنخ این دو وجود را پذیرفت. نیز در نه‌ایة اختلاف نوعی را تفسیر کرد به اینکه معنای حرفی و تعلقی را با نگاه ثانوی مستقل ببینم. خود همین تفسیر به‌خوبی گواه آن است که معنای تعلقی و حرفی با معنای وجود مستقل و معمولی جهت اشتراک ذاتی ندارند. پس عدم اختلاف نوعی به این معنا مورد وفاق ملاصدرا و شارحان اوست؛ زیرا هم ملاصدرا و هم شارحانی که اختلاف نوعی بین آن دو را پذیرفته‌اند، مدعی هستند که وجود رابط در خارج موجود است. اگر وجود رابط در خارج موجود است، با

یک هلیه بسیطه می‌توان از آن گزارش داد و اگر بتوان با یک هلیه بسیطه از آن گزارش داد، وجود رابط باید موضوع هلیه بسیطه قرار گیرد؛ درحالی که وجود رابط یک حقیقت تعلقی و ربطی است که از خود هیچ استقلالی ندارد و چیزی که از خود هیچ استقلالی ندارد، نمی‌تواند موضوع هلیه بسیطه قرار گیرد. بنابراین، وجود رابط را باید در نگاه دیگر مستقل دید و گفت این وجود در خارج موجود است و با این نگاه است که وجود به مستقل و رابط تقسیم می‌شود. از این رو، ملاصدرا با اصرار بر مشترک لفظی بودن وجود رابط و مستقل، قائل می‌شود این دو در طبیعت وجود مطلق اتفاق دارند. در واقع طبیعت وجود رابط در خارج به عین وجود مستقلی که او را همراهی می‌کند، موجود است؛ به گونه‌ای که اسناد وجود به آن به اعتبار وجود داشتن موضوعش است؛ چراکه معانی تعلقی و معانی حرفی هیچ‌گونه هویتی برای خود ندارند تا حکمی را بپذیرند. بنابراین، حکم به وجود آنها کردن در صورتی قابل قبول است که آنها را مستقل اعتبار و لحاظ کنیم.

نتیجه‌گیری

آقاعلی مدرس طهرانی و علامه طباطبائی وجود رابط را با دو بیان متفاوت اثبات کرده‌اند. بر اساس کارکردی که وجود رابط دارد، از نظر مدرس طهرانی و علامه طباطبائی هلیات مرکبه دارای وجود رابط در خارج هستند، ولی هلیات بسیطه دارای وجود رابط در خارج نیستند؛ همان‌طور که سالبه‌ها از وجود رابط بی‌بهره‌اند. البته از نظر آقاعلی مدرس طهرانی وجود رابط در تمام قضایا، از جمله در هلیات بسیطه و نیز در سالبه‌ها در ظرف انعقاد قضیه، یعنی در ظرف ذهنی که قضیه در آن استقرار می‌یابد، موجود است و بلکه از نظر علامه حتی می‌توان رابط را در آن سوی قضیه، یعنی در محکی و خارج اعتبار کرد. روشن است که اعتبار رابط در هلیات بسیطه و سالبه‌ها، نوعی مجاز عقلی است، نه امر واقعی. از نظر ملاصدرا و نیز مدرس طهرانی، اختلاف بین وجود رابط و مستقل، ذاتی و نوعی، و بلکه اشتراک این دو صرفاً لفظی است. این نظر با اشتراک این دو در سنخ طبیعت وجود منافات ندارد؛ چراکه حقیقت وجود رابط از خود هیچ استقلالی ندارد تا حکمی برای خود داشته باشد. اما همین وجود در پرتو وجود مستقل و به حکم آن می‌تواند موجود تلقی شود و با نگاه استقلالی به آن می‌توان نظر کرد و آن را به این اعتبار

موجود دانست. اختلاف ذاتی و نوعی داشتن وجود رابط و مستقل از نظر ملاصدرا و مدرس طهرانی، و عدم اختلاف ذاتی و نوعی این دو از نظر علامه طباطبایی در تنافی نیست؛ زیرا از نظر علامه، وجود رابط بعد از لحاظ استقلالی به آن، برخوردار از وجود محمولی خواهد بود و اختلاف نوعی و ذاتی نداشتن این دو بعد از لحاظ استقلالی به وجود رابط است.

منابع

۱. زنوزی، علی بن عبدالله (۱۳۷۸). مجموعه مصنفات آقا علی مدرس طهرانی (ج ۲). تصحیح محسن کدیور. تهران: اطلاعات.
۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱ م). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الأربعة (ج ۱). بیروت: دار التراث العربی.
۳. _____ (بی تا). تعلیقات، شرح حکمة الاشراق. قم: بیدار.
۴. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۲). نهاية الحکمة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۴۰۵ ق). تعلیقة علی نهاية الحکمة. قم: مؤسسة فی طریق الحق.